

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

تیمور شاه تیموری - المان

۰۷ جولای ۲۰۱۳

باز هم در باره قانون منع خشونت علیه زنان

رشدن ویا به تعویق انداخته شدن قانون منع خشونت علیه زنان از طرف «پارلمان» که تقریباً چهار سال به اساس فرمان تقنینی «رئیس جمهور» درمنصه اجراء بود جروبحث های زیادی را در بین منورین سبب گردیده و موضوع داغ روز در رسانه ها و تلویزیون ها شده است. که نسبت به دیگر مباحث هراندازه بحث و ابراز نظر در این مورد صورت بگیرد جا دارد و لازم و ضروری دانسته می شود. زیرا آزادی نصف جمعیت مملکت و ترقی و تعالی جامعه در این مضمر است.

به تاریخ ۹ جون سال جاری جناب فاضل دانشمند داکتر سید عبدالله کاظم تحت عنوان «بحث بر حقوق زنان به ۹۰ سال قبل برمی گردد» مقاله غرائی درپورتال وزین افغان جرمن آنلاین به نشر رسانیدند که در آن اصولنامه و تصاویر لویه جرگه دوره شاه امان الله غازی را طور مفصل و مشرح توضیح داشته و به خواننده فرصت داده اند که اوضاع امروز را با ۹۰ سال قبل مقایسه و بدانند که ما نه تنها از ۹۰ سال قبل چیزی به پیش نرفته ایم بلکه هنوز هم سیر قهقرائی را طی مینمائیم و این یک مقایسه شرم آوری است که ما امروز به جا می آوریم.

همچنان نویسنده وگوینده توانا وبادرد جناب عارف عباسی تحت عنوان «اندرباب موقف زن در جامعه افغان» به تاریخ ۲۶ جون در همان پورتال مقاله مفصلی ارقام و نکات بس مهمی را ارشاد فرموده اند.

جناب شان می نگارند: کسانی که حق زن را پامال می نمایند پدر، برادر و شوهران اند. آیا اینها می دانند که کار ناصواب را انجام می دهند و به خطا رفته اند؟ و می فرمایند: تأمین حقوق زن رابه طور مشروع وقانونی آن می طلبیم و منظور از رهایی زن از اسارت بسی خرافات و عنعنات ورسومی است که مولود یک فرهنگ عقب گرا و منحط می باشد و مثالهای زیادی از این رسوم ورواجها موجود است که هیچ کدام اساس دینی ندارد. همچنان جناب عباسی صاحب می نویسند که اگر قانون منع خشونت علیه زنان توسط پارلمان تصویب و توسط رئیس جمهور توشیح گردد آیا این قانون مجال تطبیق در عمل را خواهد داشت؟ آیا مجریان قانون واقعاً از صدق دل برای زن حق قائل اند؟ جناب عباسی صاحب واقعاً به نقاط بس مهم و اساسی اشاره فرموده اند، اگر قانون جنبه عملی تطبیقی نداشته باشد و دارای یکی از ارکان مهم خود که مؤنید «مجازات» است نباشد و آن جزاء تطبیق نشود کاغذ پاره ای بیش نیست و مثل سایر قوانین مملکت در ورطه فراموشی سپرده خواهد شد.

هرگاه یک نظر اجمالی ببندازیم قوانین و تمام گفته ها براین محور می چرخد که ازطرف مردهای فامیل بالای زن های فامیل ظلم و استبداد، قیود و سلب آزادی صورت می گیرد یعنی مردان حق زن هارا نمی دهند وزن ها حقوق خودرا نمی خواهند ویا نمی توانند از مردان بگیرند.. این عدم داد و ستد از قرن ها به این طرف از نسلاها به نسلهادوام دارد و درضمیر وخمیر مردها عجین شده است که من مردهستم و باید برزن حاکمیت داشته باشم وزن ها به این تن داده اندکه چون زن هستم باید فرمان ببرم و این که مرد نان آور خانواده بوده ، این حاکمیت را وزن بیشتری داده است.

اکنون سؤال به میان می آید که آیا این خصیصه ای که نسل بالنسل وخون بعدخون به شکل وراثت انتقال یافته، ممکن است با انفاذ قوانین از آن صرف نظرگردد؟ بلی! هرگاه قوانین مکمل وهمه جانبه با پیگرد صحیح وتطبیق مکمل به عمل آید ممکن از بعضی بی مبالاتیها جلو گیری به عمل آید اما قانون نیز نمی تواند دقایق بیست و چهار ساعت را دریک فامیل کنترول نماید. پس به گفته دیگر عباسی صاحب متصل می شویم که گفته اند : یگانه راهی که باقی میماند به کار بستن شیوه دیموکراتیک بخش اطلاعات مؤثرو مفید، بسط توسعه معارف وانفاذ قوانین مربوط وتطبیق آن است. درباره انفاذ قوانین وتطبیق آن صحبت شد.

بخش اطلاعات مؤثرو مفید نیز طرف تأیید است ودرباره نکته بسیار مهم بسط وتوسعه معارف صحبت می کنیم: هرگاه معارف را آگاهی زن و مرد از حقوق شان و حقوق همدیگر قبول کنیم آیا به چه شکل طوری که فرموده اند دردهات وقصبات گسترش دهیم. دردهات وقصبات در جامعه ای که بالاتر از هشتاد فیصد آن بیسواد است اخبار کتب ومجلات وغیره راه ندارد. هرگاه به رادیو و تلویزیون اعتماد کنیم به آنها هم اکثریت دسترسی ندارند. و آنها پروگرامهای مؤثری نیز ندارند. پس یگانه کسانی که در آن جاها راه دارند و گفته های شان تأثیری به همراه دارد ملا صاحبان مساجد اند. آیا کسی قبول می کند که ملائی در گفتارهای همیشگی خود قسمتی از حقوق زنان را ولو مذهبی نیز باشد علاوه کند؟ از طرف دیگر باید از حقوق خود وهم دیگر، هم زن وهم مرد نه برای یکمرتبه وده مرتبه بلکه برای همیش خبر شوند. و کسانی باشد که یومیه برای شان تعلیم دهد. به نظر من این مکاتب است که باید در پروگرام درسی خود مضمونی به نام حقوق زن ومرد در نصاب تعلیمی خود داشته باشند و توسط معلمین خالی از تعصب درس داده شوند تا دختر و پسر از ایام صباوت از حقوق همدگر آگاه واحترام داشته باشند واین مضمون باید مضمون مهم سال تعلیمی باشد که ناکامی در آن ناکامی تمامی سال تعلیمی را سبب شود. آنگاه است که این مردسالاری واین تبعیض طوری که با شیر در طول قرنها در خون زن ومرد تزریق شده به مرور سالهای متمادی از نسل بالنسل به تدریج کم شده وزدوده شده می رود در غیر آن چنانچه درنود سال اخیر به یک حال هستیم در صد هاسال آینده نیز به همین منوال باقی خواهیم ماند.